

فرایند شکل‌گیری مدارس دخترانهٔ مازندران (۱۳۸۵-۱۳۰۴ش)

علی اکبر عنایتی^۱

عطاالله حسینی^۲

محمدعلی اکبری^۳

چکیده: در پی تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های پایانی عصر قاجار، مسائل مربوط به زنان و دختران، از جمله وضعیت آموزش، نوع پوشش، سن کم ازدواج و تعدد زوجات، مورد توجه نخبگان و فعالان عرصه‌های اجتماعی قرار گرفت. آموزش دختران که به صورت مکتب‌خانه‌ای جریان داشت، سهم اندکی در تعلیم و تربیت دختران عهده‌دار بود. همین امر موجب شد تا برخی زنان فعال اجتماعی در پی تأسیس مدارس نوین دخترانه برآیند. در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از اسناد و منابع اصلی، به‌ویژه بهره‌مندی از اسناد آرشیوی، سیر تاریخی تأسیس مدارس دخترانهٔ مازندران از انقلاب مشروطه تا پایان حکومت قاجار بازآفرینی شود. در مازندران عصر قاجار، زنانی چون ملوک کیا در بارفروش (بابل امروزی) و فاطمه و کیلی در ساری، در زمینهٔ تأسیس مدارس دخترانهٔ مازندران پیشرو بودند و پیدایش این گونه مدارس مرهون تلاش‌های آنان است. این مدارس در افزایش نقش زنان و دختران در فعالیت‌های علمی و اجتماعی سهم بسزایی داشته است.

واژه‌های کلیدی: ایران، مازندران، آموزش نوین، مدارس دخترانه، بارفروش، ساری

۱ دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
a.enayati1351@gmail.com

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) a_hassani5@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۲۷

۳ استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران. Akbari_39@yahoo.com

Girls' School Establishment in Mazandaran (1906 – 1925)

Ali Akbar Enayati¹
Ataollah Hassani²

Abstract: Following late Qajar era political and social changes, problems related to women and girls, especially those related to education, dress code, teenage marriage, and polygamy, were noticed by the elite and activists who were involved in social issues. Educating girls which was mainly on the basis of basic religious subjects, hardly contributed to the girls education in Iran at that time. Because of this, some women active in social affairs, tried to establish modern girls' schools in Iran. In this study the researcher tries to represent the historical girls' school establishment process in Mazandaran by examining primary sources from "constitutional revolution" to the end of Qajar dynasty. In Mazandaran of Qajar era, some women such as Molouk Kia in Barforoosh (today called Babol) and Fatemeh Vakili in Sari pioneered to establish the first girls' school in Mazandaran. These schools have greatly contributed to the increasing play of role by women and girls in scientific and social activities.

Keywords: Iran, Mazandaran, Modern education, Schools for girls, Barforoosh, Sari.

1 Ph.D. student in Persian history at the Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.
a.enayati1351@gmail.com

2 Associate Professor, History Department, Shahid Beheshti University, (Corresponding Author)
Tehrana_hassani5@yahoo.com

مقدمه

حکومت‌های ایرانی در طول تاریخ پرفرازونشیب این سرزمین، در جنگ با دشمنان، بارها پیروزی یا شکست را تجربه کرده‌اند، اما شکست قاجاریه در برابر مهاجمان روسی نقطهٔ عطفی بود که آنان را در مقام پرسش از علت امر، به مطالعهٔ تطبیقی ساختار نظامی ایران و اروپا واداشت. چند سالی پیشتر، عثمانیان در پی شکست‌های مکرر از روسیه (۱۷۸۹-۱۷۹۲م) به همین نتیجه رسیده بودند و نسبت به جایگزینی «نظام جدید» با ساختار کهن ینی‌چری، اقدامات پرهزینه و خشونت‌باری را آغاز کردند.

حرکت اصلاحی «نظام جدید» در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه و دوران محمدشاه با محوریت «آموزش» نظامی، زمینهٔ مساعدی برای توجه ایرانیان به علوم جدید فراهم آورد و در دورهٔ ناصرالدین‌شاه تأسیس «دارالفنون» و به دنبال آن «مدارس جدید» را موجب شد. در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه، تأسیس مدارس روند سریع‌تری پیدا کرد و در تهران و شهرهای مهم ایران مدارس جدیدی تشکیل شد. شکل‌گیری، تداوم و تثبیت نظام نوین آموزشی با موانع بسیاری که به‌طور عمده از حوادث متعدد سیاسی، سخت‌گیری‌های مذهبی و تعصبات دینی و مشکلات اقتصادی نشأت می‌گرفت، روبه‌رو بود. این موانع بسیاری از مدارس نوین را پس از مدت کوتاهی به تعطیلی کشاند، اما نتوانست مانع اثربخشی آنها در نظام اجتماعی آن روزگار ایران شود.

سراغاز تأسیس مدارس دخترانه در ایران، اوایل سلطنت محمدشاه قاجار و توسط میسیونرهای آمریکایی در ارومیه بود. در ۱۳۲۱ق/۱۲۸۲ش، «طوبی رشدیه» نخستین مدرسه دخترانه را به نام «پرورش» تأسیس کرد. پیش از این، تمام مدارس دخترانه به گروه‌های مبلغ مذهبی و اقلیت‌های دینی تعلق داشت. مدرسهٔ پرورش تنها پس از چهار روز فعالیت به تعطیلی انجامید. «بی‌بی خانم استرآبادی» از دیگر زنانی بود که برای آموزش دختران، به گشایش مدرسه‌ای دخترانه به نام «دوشیزگان ایران» اقدام کرد.

تحقیق حاضر، درصدد بررسی چگونگی شکل‌گیری مدارس دختران در مازندران است. در زمینهٔ تاریخ مدارس مازندران، تحقیقات متعددی صورت گرفته که در برخی از آنها به تأسیس مدارس دخترانه اشاراتی شده، اما هنوز پژوهشی دربارهٔ مدارس دختران مازندران

به شکل مستقل انجام نیافته است. این پژوهش با استفاده از منابع مختلف، از جمله اسناد تاریخی مدارس مازندران نگارش شده است.

اسماعیل مهجوری مؤلف کتاب *تاریخ مازندران* از نخستین معلمان شهر ساری و از پیشگامان تاریخ‌نگاری آموزش و پرورش مازندران است. بخش‌های مربوط به سال‌های پس از انقلاب مشروطه در جلد دوم این کتاب، معتبرترین منبع تاریخ‌نگاری معاصر مازندران است؛ زیرا مورخ خود در این زمانه زندگی کرده و بسیاری از حوادث را دیده یا شنیده است. او در صفحاتی از جلد دوم، به چگونگی شکل‌گیری نخستین مدارس مازندران پرداخته، اما کمترین اشاره‌ای به تأسیس مدارس دخترانه نکرده است. مهجوری در مقاله «تاریخچه فرهنگ ساری» به صورتی گذرا به افتتاح نخستین مدرسه دخترانه ساری اشاره کرده، ولی در بیان تاریخ تأسیس مدرسه دچار اشتباه شده است. اقبال قاسمی پویا نیز در بخشی از کتاب *مدارس جدید در دوره قاجاریه*، گزارشی کوتاه درباره شکل‌گیری مدارس مازندران ارائه کرده و کمتر به مدرسه‌های دخترانه پرداخته است. «سلی شاهور» در بخشی از کتاب *مدارس فراموش شده* که در ۲۰۱۳ م به چاپ رسیده، به معرفی نخستین مدارس جدید مازندران پرداخته، اما او نیز درباره مدارس دخترانه به اختصار نوشته و از آن گذر کرده است. بخشی از کتاب *بابل شهر بهارنارنج* به پیشینه آموزشی و پرورشی جدید در بابل اختصاص یافته است. این پژوهش را محمد شکری فومشی به رشته تحریر درآورد. همچنین شهرام قلی‌پور گودرزی و یوسف الهی در کتاب *تاریخ آموزش و پرورش بابل و بندپی* به چگونگی شکل‌گیری مدارس جدید این شهرستان پرداخته‌اند. این کتاب نیز حاوی اطلاعات خوبی درباره مدارس دخترانه بابل است. در هر دو پژوهش اخیر، از همه اسناد بهره نبرده‌اند. نگارنده سعی کرده با استفاده از اسناد نویافته مدارس بارفروش (بابل)، اطلاعات پیشین را تکمیل کند. در کتاب *ساری کهن‌شهر مازندران*، مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه آموزشی ساری» به قلم حسین اعتمادزاده و علیرضا طالبی شلمکی آمده است. پژوهشگران در این کتاب از منابع و اسناد بهره برده‌اند و نوشته آنها حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه مدرسه دخترانه ساری است. همچنین پژوهش منتشر نشده از محمدباقر اعتصامی با عنوان «تاریخ آموزش و پرورش رسمی مازندران» به اجمال نگاهی به سیر تشکیل مدارس مازندران دارد. در این پژوهش با وجود آنکه

پژوهشگر سعی کرده چگونگی تأسیس مدارس جدید را در همهٔ شهرهای استان بررسی کند، اما از مدارس دختران غفلت ورزیده و به صورت کوتاه بدان‌ها اشاره کرده است. کتابی نیز از نگارندهٔ مقاله حاضر در مجموعهٔ ساری پژوهی با نام *مدارس جدید ساری در عصر قاجار* منتشر شده است.

مشکل عمدهٔ این تحقیق، کمبود منابع و به‌ویژه اسناد آرشیوی است. این مشکل دربارهٔ مدارس دخترانهٔ بارفروش بیشتر بوده و متأسفانه! این نقص ما را از دست یافتن به وضعیت روشنی دربارهٔ چگونگی تأسیس مدارس دختران و شرایط تعلیم و تربیت آنان محروم می‌سازد. امید است با به دست آمدن اسناد جدید بتوان ابهامات موجود را در پیدایش و ادامهٔ حیات مدارس دخترانه عصر قاجار مازندران برطرف ساخت.

نخستین مدارس به سبک جدید در مازندران

پس از میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسن رشیدیه اولین کسی بود که برای تغییر نظام سنتی تعلیم و تربیت در ایران اقدام کرد. وی نخستین مدرسهٔ ایرانی را در ۱۳۰۵ق/۱۲۶۷ش. در محلهٔ خیابان شهر تبریز تأسیس کرد. البته اقدام او واکنش بخش مذهبی و متعصب شهر را در پی داشت، اما او را در انجام کارش مصمم‌تر ساخت. وی بعدها در تهران مدرسهٔ رشیدیه را تأسیس کرد (رشیدیه، ۱۳۶۲: ۲۴). پس از آن به تدریج در تهران و سایر شهرهای ایران مدارس دیگری نیز افتتاح شد؛ به‌طوری که در ۱۳۱۹ق/۱۲۸۰ش. حدود هفده مدرسهٔ ابتدایی ملی (خصوصی یا غیردولتی) به سبک جدید دایر شد (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: سیزده). نخستین مدرسه دخترانهٔ ایران به سال ۱۳۲۱ق/۱۲۸۲ش. در تهران و به مدیریت طوبی رشیدیه به نام مدرسه پرورش تأسیس شد (رشیدیه، ۱۳۶۲: ۱۴۸).

تا سال ۱۳۲۸ق/۱۲۸۹ش. از طرف دولت توجهی به امور آموزش کشور نشده بود. در ۲۷ شعبان همان سال مجلس شورای ملی قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد و رسیدگی به امور تمام مدارس و آموزش کشور برعهدهٔ این وزارتخانه نهاد. در ۲۶ رمضان ۱۳۲۹/۱۲۹۰ش. مجلس شورای ملی طی قانونی وزارت معارف را مکلف کرد تا نه مدرسهٔ ابتدایی شش کلاسه در شهرهای تهران (پنج

مدرسه)، مشهد، شیراز، تبریز و کرمان تأسیس کند. همچنین براساس قانون اساسی معارف کشور که در دهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹/۱۲۹۰ ش. به تصویب رسید، آموزش ابتدایی برای همه ایرانیان اجباری شد و همه اتباع ایرانی مکلف شدند فرزندان خود را از هفت سالگی برای تحصیل به مدرسه بفرستند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ۴۰۹/۱).

از نخستین سال‌های سلطنت مظفرالدین‌شاه، برای تأسیس مدارس جدید در شهرهای ساری و بارفروش اقداماتی به عمل آمد. به سعی و تلاش معین‌الدوله حاکم مازندران، در ۱۳۱۸ق/۱۲۷۹ ش. مدرسه جدیدی در ساری دایر شد و سی نفر از فرزندان شاهزادگان و بزرگان شهر در آن مشغول به تحصیل شدند. مدیر مدرسه میرزا عباس‌خان ادیب و تدریس دانش‌آموزان برعهده محمد یوسف میرزا پزشک مخصوص معین‌الدوله بود (حبیل‌المتین، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸: ۱۸-۱۷). مقارن با انقلاب مشروطه و در اواخر سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ ش. لطفعلی‌خان سالار مکرّم مدرسه‌ای به نام «سالاریه» در ساری تأسیس کرد. این مدرسه پس از چند ماه فعالیت بر اثر قطع کمک‌های مالی لطفعلی‌خان سالار مکرّم تعطیل شد. پس از بسته شدن مدرسه سالاریه، مدارس دیگری چون «حقیقت» به همت سید حسین مقدس، «مصطفوی» به یاری سید میرزا علی عمادی مجتهد و میرزا غلامحسین‌خان ایرانبور و «تأیید» از سوی سید حسین مقدس و با حمایت امیر مؤید سوادکوهی در ساری دایر شد که هر یک به واسطه حوادث سیاسی مختلف به تعطیلی کشیده شدند. در ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ ش. مدرسه‌ای به نام «نصرت احمدی» در ساری افتتاح شد و مدرسه تأیید نیز در ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ ش. دوباره بازگشایی شد (مهجوری، ۱۳۳۹: ۲۳؛ همو، ۱۳۴۵: ۲۳۱/۲).

آقا حسن بادکوبه‌ای تاجر بارفروشی، در ۱۳۱۷ق/۱۲۷۸ ش. به فرمان علاءالدوله، مجلس قرائت مظفریه را که «نمونه مدرسه جدید می‌باشد»، در شهر بارفروش تشکیل داد (حبیل‌المتین، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸: ۱۷). همچنین به سال ۱۳۲۳ق/۱۲۸۴ ش. به سعی حسن بادکوبه‌ای، ملا محمدجان علامه، میرزا محمدعلی معین‌التجار، حاج محمدتقی شاهرودی، میرزا عبدالغنی و با حمایت شاهزاده حسینقلی‌میرزا اعظام‌السلطنه حاکم وقت بارفروش، مدرسه‌ای به نام «اعظامیه» تأسیس شد. در ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ ش. مدرسه «مبارکه وطن» یا «نوریه» و در ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ ش.

مدرسه «سعادت عمومی» شعبه تربیت در این شهر افتتاح شد. در ۱۳۳۱ق/۱۲۹۲ش. روس‌ها مدرسه‌ای به نام مدرسه «مبارکه بارفروش ایرانی و روس» تأسیس کردند. نخستین مدرسه دخترانه‌ی مازندران در ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. در بارفروش با نام «بنات» افتتاح شد. پس از یک سال عبدالحسین‌خان امیر منتخب، آن را به نام همسر خود شکوه‌الزمان «شکوهیه» نامید (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۳۱۲).

در شهر آمل به سال ۱۳۲۳ق/۱۲۸۴ش. سید حسن نیاکی و سید مسلم عقیلی نیاکی دبستان ملی سه کلاسه‌ای تأسیس کردند. در ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش. نیز مدرسه دیگری به نام دبستان ملی-اسلامی در این شهر افتتاح شد (علامه، ۱۳۲۸: ۲۱؛ اعتصامی، ۱۳۷۵: ۱/۱۴۱).

علاوه بر مدرسی که بدان‌ها به صورت کوتاه اشاره شد، تا پایان عصر قاجار مدارس دیگری نیز در مازندران تأسیس شد؛ از قبیل مدرسه «جلیلیه» در رکابدارکلای ساری؛ «نظامیه»، «اسلامیه»، «شرافت»، «حافظیه»، «عفتیه»، «سپهر»، «عصمتیه»، «انات»، «مظفری» و «راستی» در بارفروش؛ «احمدی» در مشهدسر (بابلسر)؛ «شرافت» در آمل؛ «شهامت» در کلاردشت و بلده؛ و «شرافت» در کجور لاشک نوشهر؛ «سنایی» در خرم‌آباد؛ «سعادت و شهامت» در تنکابن (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۳۱).

نخستین مدارس دخترانه‌ی مازندران

تا پیش از انقلاب مشروطه، مسئولیت تعلیم و تربیت کودکان به‌ویژه دختران برعهده خانواده بود. استفاده از معلم سرخانه در میان شاهزادگان و اعیان و اشراف رواج داشت؛ دیگران نیز کودکان خود را به مکتب‌خانه‌ها می‌سپردند (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۱۴۱). زنان در محیط شهری کمتر با بیرون از خانه ارتباط داشتند. عقیده عمومی بر اطاعت مطلق زن از شوهر قرار داشت. بنابراین دختر را برای اطاعت از شوهر، تولید نسل و نگهداری فرزندان تربیت می‌کردند. از نگاه جامعه عصر قاجاری، این وظیفه طبیعی و شرعی دختران بود (شمیم، ۱۳۷۵: ۳۷۰). بدین ترتیب دختران نیز همچون مادران خود در خانه روزگار به سر می‌آوردند و تربیت آنها در همان محیط شکل می‌گرفت. در شهرها و روستاها، ملاجی‌ها در مکتب‌خانه‌ها به آموزش خواندن و نوشتن، قرآن و شرعیات می‌پرداختند. بیشتر دختران جامعه مراتب بالاتر علمی را طی نمی‌کردند و خانه‌نشین می‌شدند. تنها

دختران طبقه فرادست جامعه می‌توانستند تا حدودی به ادامه تحصیل بپردازند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۷۱۱/۱؛ تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۹۰).

روش‌های سنتی آموزش مکتب‌خانه‌ای توأم با انواع کتک زدن و به فلک بستن کودکان، بسیار ناکارآمد بود. برخی متفکران و روشنفکران چون میرزا فتحعلی آخوندزاده این روش‌ها را مورد نقد قرار دادند (نصری، ۱۳۹۰: ۹۹/۱). به تدریج نخبگان تحت تأثیر مغرب‌زمین متوجه آموزش و پرورش جدید شدند. میرزا یوسف خان مستشارالدوله در رساله یک کلمه آن را یکی از اصول حقوق عامه دانسته است (عامری، ۱۳۹۴: ۱۰۰). تلاش‌های روشنفکران با الگوبرداری از تجربه مدارس اروپایی، به تأسیس مدارس دخترانه منجر شد. این اتفاق در عصری رخ داد که بیرون رفتن دختران از خانه به هر دلیلی نزد عموم مردم غیرقابل قبول بود (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: دوازده).

نخستین مدرسه دخترانه با نام پرورش در ۱۳۲۱ق/۱۳۸۲ش. توسط طوبی رشديه تأسیس شد. چهار روز پس از افتتاح، مأموران دولتی تابلو مدرسه را با فحش و تهدید برداشتند و مدرسه را منحل کردند (رشديه، ۱۳۶۲: ۱۴۸). در ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش. بی‌بی‌خانم استرآبادی (وزیراف) به تأسیس مدرسه دخترانه ملی دوشیزگان در تهران همت گماشت. این مدرسه نیز با مخالفت شدیدی روبه‌رو شد و حتی عده‌ای درصدد ویران ساختن ساختمان آن برآمدند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: سیزده). با وجود این مخالفت‌ها، تلاش زنان نوگرا برای به دست آوردن و برخوردار کردن دختران و زنان از آموزش نوین بیشتر شد. زنان با برپایی یک گردهمایی بزرگ در زمستان ۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش. در تهران، بر تأسیس مدارس دخترانه تأکید کردند (باغدار دلگشا، ۱۳۹۷: ۶۷). تا پیروزی انقلاب مشروطه، هیچ مدرسه دخترانه‌ای اجازه تأسیس نیافت، اما پس از آن فرصت ایجاد این‌گونه مدارس فراهم شد. در ۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش. «طوبی آزموده» به یاری میرزا حسن رشديه مدرسه دخترانه «ناموس» را در خیابان شاهپور، نزدیک چهارراه حسن‌آباد افتتاح کرد (رشديه، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹).

برای شکل‌گیری و توسعه مدارس دخترانه موانع متعدد اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود داشت. مخالفت‌های بخش سنتی جامعه سدی بزرگ بر سر راه مدارس دخترانه بود. تصور عمومی این بود که آشنایی زنان و دختران با مظاهر تمدنی

جدید، با دین‌داری، ایفای نقش همسری و مادری و در نتیجه حفظ سلامت اخلاقی جامعه در تضاد است و آنها را به مخاطره می‌اندازد (میرهادی، ۱۳۹۳: ۹۹). هنگامی که تأسیس مدارس دخترانه مخالف با شرع مذهب تشیع و اسلام معرفی شد، کمتر کسی حاضر می‌شد خانه‌اش را برای تأسیس مدرسه اجاره دهد؛ زیرا مدرسهٔ دخترانه را خانه فساد می‌پنداشتند. مخالفان تابلو مدارس را سنگ‌باران می‌کردند و یا دسته‌های اراذل و اوباش یا دیوانگان را تحریک می‌کردند تا در امنیت اجتماعی دختران و معلمان مدارس اخلال ایجاد کنند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: چهارده). بنیان‌گذاران مدارس دخترانه برای تعدیل نگاه جامعه سنتی عصر قاجار نسبت به آموزش دختران، سعی کردند دست به اقداماتی بزنند تا از نظر فرهنگ عمومی و باورهای مذهبی مورد قبول واقع شوند. از جمله، یکی از مدیران مقرر کرد که در تمام کلاس‌ها قرآن و کتاب‌های مذهبی تدریس شود و سالی چند روز در محل مدرسه مجلس روضه‌خوانی برپا شود. همچنین بانیان مدارس دخترانه با انتخاب نام‌هایی چون ناموس، عفاف، تربیت، حجاب، مخدرات اسلامی، عفتیه، تقدیس و مسطورات برای مدارس خود، سعی کردند تا اطمینان و اعتماد جامعه را به دست آورند (همان، چهارده و پانزده).

پس از گذشت یک دهه از شکل‌گیری مدارس جدید در مازندران که برای تعلیم و تربیت پسران افتتاح شده بودند، به‌تدریج فعالان فرهنگی و اجتماعی به فکر تأسیس مدرسهٔ دخترانه در شهرهای بارفروش و ساری افتادند. وضعیت نابسامان تعلیم و تربیت و محدودیت‌های اجتماعی زنان، از علل تأخیر در تأسیس مدارس دخترانه بود (سالنامه آموزش و پرورش بابل، ۱۳۴۴: ۲۷). ابتدا در ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. مدرسهٔ بنات در بارفروش به عنوان نخستین مدرسه دخترانهٔ مازندران تأسیس شد. سپس مدارس دیگری در این شهر تا سال ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. بنیان‌گذاری شد که عبارت بودند از: شکوهیه، انائیه، عصمتیه و عفتیه. نخستین مدرسه دخترانهٔ ساری نیز در سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. به نام مدرسه تربیت بنات گشایش یافت.

مدرسهٔ دخترانه بنات بارفروش

در بارفروش پیش از پیدایش مدارس دخترانه به شیوهٔ نوین، آموزش دختران در

مکتب‌خانه‌ها انجام می‌گرفت. براساس ورقهٔ احصاییه مدارس بارفروش، سه مکتب‌خانه برای آموزش دختران در سال‌های ۱۳۱۰ق/۱۲۷۲ش، ۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش و ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش تأسیس شده بود. پس از افتتاح نخستین مدرسهٔ جدید دخترانه نیز همچنان آموزش مکتب‌خانه‌ای رواج داشت و تا سال ۱۳۴۲ق/۱۳۰۲ش. تعداد نه مکتب‌خانهٔ دیگر در این شهر دایر شد. این مکتب‌خانه‌ها به آموزش دختران پنج تا شانزده ساله می‌پرداختند (ساکما، ۱۰۱۱۲-۲۹۷).

نخستین مدرسهٔ دخترانه بارفروش به نام مدرسهٔ بنات در محرم ۱۳۳۲/۱۲۹۲ش. در «لُرمحله» بارفروش توسط یک کمیته تأسیس شد. نام اعضای کمیتهٔ مؤسس مدرسه، بر ما پوشیده است. مدیریت مدرسه نیز به عهدهٔ هیئت کمیتهٔ مدرسه بود. از این رو ضروری بود که اعضای کمیته از زنان تحصیل کردهٔ شهر بارفروش بوده و یا دست کم بیشتر اعضای کمیته را زنان تشکیل داده باشند. مکان مدرسه در محلهٔ بهایی‌نشین شهر (لُرمحله) واقع بوده، شاید مدرسه بنات وابسته به بهاییان بارفروش بوده باشد. البته در این محله، مدرسهٔ پسرانه‌ای در سال ۱۳۳۰ق/۱۲۹۰ش. به نام مدرسه سعادت عمومیّه شعبه تربیت تأسیس شده بود که وابستگی به بهاییان داشت (قلی‌پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۶۷). نخستین مدرسه تربیت بنات که وابسته به بهاییان بود، در سال ۱۳۲۹ق/۱۲۸۹ش. در تهران تأسیس شد (ثابت، ۱۳۷۵: ۸۷). بدین ترتیب شاید این مدرسهٔ دخترانه که پس از مدرسه دخترانه تربیت بنات تهران و در محله‌ای بهایی‌نشین تأسیس شده، متعلق به بهاییان بوده باشد؛ هرچند که سندی مبنی بر ارتباط این دو مدرسه و یا ارتباط مدرسه بنات بارفروش با بهاییان به دست نیامده است.

در ورقهٔ احصائیة مدرسهٔ مربوط به سال ۱۳۳۳ق/۱۲۹۴ش، قمرخانم دختر آقا میرزا غلامحسین تاجر بارفروش، به عنوان ناظم مدرسه معرفی شده است. او با معلومات ابتدایی فارسی و عربی، تدریس کلاس دوم را به عهده داشته است. او که به هنگام تکمیل ورقهٔ احصائیة ۲۲ ساله بوده، در بارفروش تحصیل کرده و برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت کرده بود. معلم دیگر مدرسه، قمرخانم دختر آقا سید محمدرضا مازندرانی بوده که در کلاس اول ابتدایی به تدریس دختران بارفروش مشغول بوده است. او نیز با بیست سال سن در شهر بارفروش تحصیل کرده بود. در ۱۳۳۳ق/۱۲۹۴ش. این مدرسهٔ دو کلاسه در یک

اتاق با ۲۶ دانش‌آموز به کار تعلیم و تربیت می‌پرداخت؛ درحالی‌که خرج ماهانهٔ مدرسه بیشتر از دریافتی‌های مدرسه بوده است. مؤسسان نیز ده نفر از دانش‌آموزان را به رایگان پذیرفته بودند و شهریه‌ای از آنان دریافت نمی‌کردند. از باقی دانش‌آموزان دو تا پنج قران شهریهٔ ماهانه گرفته می‌شد. مواد درسی و کتاب‌هایی که در مدرسهٔ بنات تدریس می‌شد، شامل قرآن، جغرافی، شرعیات، تاریخ انبیا و ایران، نخست‌نامه، اخلاق مصور، صد درس و علم الاشیا بوده است (ساکما، ۲۶۸۹۳-۲۹۷).

عبدالحسین خان امیر منتخب رئیس معارف بارفروش، در سال ۱۳۳۳ق/۱۲۹۳ش، مدرسهٔ بنات را به نام همسر خود شکوه‌الزمان «شکوهیه» نامید (قلی‌پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۷۵). مدرسهٔ شکوهیه به مدت شش سال با همین نام به حیات خود ادامه داد. در اواخر سال ۱۳۳۸ق/۱۲۹۹ش. ملوک کیا دیپلمه مدرسهٔ فرانسوی آلیانس تهران، به عنوان مدیر مدرسه منصوب شد (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۳۲۱). خانم کیا نام مدرسه را تغییر داد. او توسط ظهیرالملک حاکم مازندران، اقداماتی انجام داد تا سرانجام نام مدرسه را «مدرسه انائیه بارفروش» گذاشتند (نیاکی، ۱۳۷۹: ۶۸۱). هرچند که در نامهٔ مدیر مدرسه دخترانه عصمتیه بارفروش به وزیر معارف وقت، نام این مدرسه همچنان شکوهیه بیان شده است. «دو سال است مدرسه‌ای به نام شکوهیه و به مدیریت صبیّه آقای منتظم دیوان^۱ اداره شده» (ساکما، ۲۲۷۸۳-۲۹۷۰). مکان مدرسه همچنان در رُمرحله بارفروش و در یک خانهٔ اجاره‌ای بود. در ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. مدرسه با شش کلاس ابتدایی کامل شد. بعدها در ۱۳۴۴ق/۱۳۰۴ش. خانم ملوک کیا دو کلاس هفت و هشت از دورهٔ اول متوسطه را نیز به صورت غیررسمی دایر کرد. علاوه بر خانم کیا، خانم‌ها فخری حافظی و شوکت آشتی بقایی نیز از کارکنان مدرسه بودند (قلی‌پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۷۵). مدرسه انائیه در شهر بارفروش با همت و تلاش خانم ملوک کیا و همکارانش با وجود همهٔ کمبودها و کاستی‌ها در تعلیم و تربیت دختران به فعالیت خود ادامه داد. شبانی رئیس معارف ایالت طبرستان، در گزارشی در ۲ سرطان^۲ ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. به وزیر معارف وقت دربارهٔ کوشش‌های خانم مدیر چنین نوشته است: «تا هنگام ورود فدوی به طبرستان

۱ «منتظم‌دیوان» پدر ملوک کیا مدیر مدرسهٔ انائیه بود.

۲ برابر با ماه تیر. رک. به: نبی، ۱۳۶۶: ۴۲.

شش هفت مدرسه ناقص دولتی که یکی از آنها مدرسه نسوان بارفروش بوده و فقط برآن می‌توان در نتیجه زحمات خانم مدیره محترمه‌اش اطلاق اسم مدرسه نمود وجود داشت. درحالی که به کلی فاقد معلمین تحصیل کرده بوده» (ساکما، ۲۲۷۸۳-۲۹۷۰). نیما یوشیج شاعر نامدار به واسطه همسرشعالیه جهانگیری که معلم دبستان دوشیزگان سعدی بود، با خانم کیا آشنا شده و از جدیت و استقامت قابل تحسین او یاد کرده است (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۳۲۲).

مدرسه دخترانه انائیه بارفروش نیز با شهریه دانش‌آموزان اداره می‌شد. در سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش، ظهیرالملک حاکم مازندران که ریاست معارف و اوقاف نیز با او بود، ضمن قراردادی با اداره مالیه، مقرر کرد که مدارس مازندران، مدارس دولتی محسوب شوند و پس از وضع شهریه دانش‌آموزان، کسر بودجه هر مدرسه از محل درآمدهای هر شهر پرداخت شود (ساکما، ۲۲۷۸۳-۲۹۷۰). به موجب این قرارداد وضعیت مالی مدارس، از جمله مدرسه انائیه بهتر از گذشته شده بود.

در سال ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش. مدرسه انائیه دارای شش کلاس (کلاس‌های نیم، یک، دو، سه، چهار و پنج) بود و مقرر شد پس از امتحانات پایان سال، کلاس ششم نیز در مدرسه تشکیل شود. عمده چالش و مشکلات مدرسه در این سال کمبود معلم بود. با وجود آنکه مدرسه شش کلاس شده بود، اما سه معلم در کلاس‌های یک، دو و سه و یک معلم قرائت قرآن - خانم قرائی - کار تدریس را برعهده داشتند. مدیر پرتلاش مدرسه این کاستی را با حضور خود در کلاس‌های چهار و پنج و تدریس دانش‌آموزان برطرف می‌کرد. او از رئیس معارف بارفروش درخواست استخدام دو معلم برای مدرسه و یا تعیین بودجه‌ای برای به کارگیری دو تا از شاگردان خوب کلاس پنجم که توانایی تدریس و معلمی را دارند، کرده بود. همچنین او تقاضا کرده بود که حقوق خانم قرائی معلم قرآن مدرسه نیز افزایش یابد (همان، ۲۲۹۴۳-۲۹۷۰).

مدیر مدرسه در ۱۳۴۱ق/۱۳۰۲ش. درخواست خود مبنی بر استخدام یک معلم با اعتبار پانزده تومان را دوباره مطرح کرد (همان، ۲۲۷۸۳-۲۹۷۰).

امتحانات مدرسه انائیه هر ساله در ماه جوزا با حضور هیئت ممتحنه شامل بزرگان شهر برگزار می‌شد. براساس ورقة صورت امتحانات در ۱۳۴۱ق/۱۳۰۲ش. از دانش‌آموزان

کلاس چهارم در درس‌های قرآن، شرعیات، جغرافی، دستور، هندسه، تأدیب النبات، قرائت، تاریخ، دیکته، حساب و سیاق امتحان به عمل آمد. هیئت ممتحنه شامل خانم اعظام السلطنه، خانم امیر اشرف، خانم امیر پنج، نواب عالی، خانم امام جمعه، خانم رئیس مالیه، تاج‌الملوک، افسر‌الملوک، خانم خیرالملک، صبیح آقا شیخ فضل‌الله مرحوم اقدس و خانم حکیم‌باشی بوده‌اند که پای ورقه را امضا کردند و به تأیید مدیر مدرسه خانم ملوک کیا رساندند (همان، ۱۳۸۳، ۲۹۷۰۳۶۸۳۸).

با وجود حضور بانوان برای نظارت در امتحان سالانه کلاس چهارم، برای برگزاری امتحان دو نفر دانش‌آموز دختر کلاس ششم مدرسه اناثیه در همین سال با مشکل روبه‌رو شدند؛ زیرا از میان خانم‌های شهر کسی نبود که شایستگی حضور در هیئت ممتحنه کلاس ششم را داشته باشد. از این رو بنا بر تقاضای اولیای دانش‌آموزان، امتحان با حضور حجة الاسلام آقای سیف‌الاسلام از علمای طراز اول بارفروش و اشخاص سالخورده و پیران شهر برگزار شد (همان).

مخارج برگزاری امتحان دانش‌آموزان مدرسه اناثیه بارفروش در ماه جوزای^۱ سال ۱۳۴۱ق/۱۳۰۲ش، بالغ بر هجده تومان و هشت قران و پانزده شاهی بود که شامل کرایه چادر در مدت نه روز، کرایه حمل و نقل صندلی و میز، قند چهارونیم من، چای، تنباکو دو من، سیگار، کبریت، قهوه و سه لنگه ذغال بوده است. گزارش مخارج امتحان مدرسه از طریق آقای اسدالله نوری رئیس معارف بارفروش، به وزارت معارف اعلام شد تا وجهی برای پرداخت آن اختصاص یابد، اما وزارت معارف به علت عدم پیش‌بینی آن در بودجه سالانه، مبلغی برای آن پرداخت نکرد (همان).

در آبان ۱۳۰۴ش/۱۳۴۴ق. توسط مدیر مدرسه دولتی اناثیه کلاس‌های اکابر برپا شد. برگزاری این کلاس‌ها در معابر عمومی شهر اعلان شد. کلاس‌های اکابر هر روز، روزی سه ساعت قبل از ظهر تعیین شد که زمان استراحت و فراغت از تدریس مدیر مدرسه بوده است (همان، ۱۳۸۳، ۲۹۷۰۲۱۴۷۳).

مدرسه دخترانه عصمتیه بارفروش

از این مدرسه اطلاع چندانی در دست نیست. سال تأسیس آن را به احتمال

۱ سومین برج از بروج دوازده‌گانه برابر با ماه خرداد.

۱۳۳۷/ق ۱۲۹۸ ش. دانسته‌اند. نام مؤسس، زمان دقیق تأسیس مدرسه و محل آن نامعلوم است. براساس ورقه احصائی وزارت معارف، در ۱۳۴۶/ق ۱۳۰۶ ش. مدرسه عصمتیه بارفروش ۳۷ دانش‌آموز داشته که پانزده نفر به صورت رایگان تحصیل می‌کرده‌اند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۳۲؛ شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۳۴۵). براساس یک سند بدون تاریخ که نامه خانم مدیر مدرسه به وزارت معارف است، خانم مدیر که مؤسس مدرسه عصمتیه است، خود را اصلاً تهرانی معرفی کرده که دوازده سال پیش از نوشتن نامه، در محله سید نصیرالدین تهران مدرسه‌ای به نام عصمتیه را اداره می‌کرده و در خدمت تعلیم و تربیت دختران بوده است. به واسطه «اوضاع طبیعت» از تهران به مازندران آمده و در شهر بارفروش اقامت گزیده است. به گفته او، هنگام ورود به شهر بارفروش، این شهر فاقد مدرسه به احتمال مدرسه دخترانه- بوده و به همین دلیل او تصمیم به تأسیس مدرسه عصمتیه در بارفروش گرفته و در تعلیم و تربیت دختران کوشیده است (ساکما، ۲۹۷۰-۲۲۷۸۳).

همان‌گونه که پیشتر آمد، نخستین مدرسه دخترانه بارفروش در ۱۳۳۲/ق ۱۲۹۲ ش. تأسیس شده است. اگر ادعای مدیر عصمتیه را بپذیریم، مدرسه او باید نخستین مدرسه دخترانه شهر باشد که سال تأسیس آن پیش از ۱۳۳۲/ق ۱۲۹۲ ش. بوده است؛ زیرا او در نامه خود بیان کرده زمانی که به بارفروش آمده، شهر فاقد مدرسه دخترانه بوده است. در جای دیگری از این سند، خانم مدیر اشاره کرد که دو سال پیش مدرسه‌ای به نام شکوهیه و به مدیریت صبیّه آقای منتظم دیوان (ملوک کیا) تأسیس شد. بدین ترتیب می‌توان احتمال داد که مدرسه عصمتیه پیش از این تاریخ تأسیس شده بود (همان).

براساس این سند، مدرسه عصمتیه دارای کلاس‌های یک تا چهار بوده و براساس برنامه وزارت معارف فعالیت می‌کرده است. تدریس دانش‌آموزان توسط خانم مدیر، عروس او که معلم کلاس یک بوده و دو نفر معلم کلاس دو و سه انجام می‌شد. محل مدرسه نامعلوم، ولی اجاره‌ای بوده است. اجاره خانه، حقوق فراش مدرسه و ملزومات آموزشی، همه به عهده مدیر مدرسه بوده است. مدرسه ماهیانه هفت هشت تومان در آمد داشته و بیست دانش‌آموز را به صورت رایگان پذیرفته بود. خانم مدیر در این نامه از وزارت معارف تقاضا کرده بود که این مدرسه را جزو مدارس دولتی به حساب آورند و

بودجهٔ مشخصی برای آن معین کنند تا در بودجهٔ معارف بارفروش قرار گیرد. همچنین یک معلم کلاس چهار و پنج را با حقوق مکفی از تهران استخدام کنند و به بارفروش بفرستند (همان) براساس نامه‌ای به تاریخ ۲۲ برج اسد،^۱ تقاضای دولتی شدن مدرسه به علت عدم پیش‌بینی بودجهٔ سالانه و بی‌محل بودن آن، مورد پذیرش وزارت معارف قرار نگرفت (همان).

مدرسهٔ ملی عفتیه بارفروش

این مدرسه به احتمال دخترانه- در سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۷ش. دارای دو کلاس، دو معلم و ۳۴ دانش‌آموز بوده است. اطلاعی از نام مؤسسان، زمان تأسیس و چگونگی شکل‌گیری مدرسه در دست نیست (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۳۱).

شاهور در کتاب خود از دو مدرسهٔ دخترانه در ساری و بارفروش متعلق به بهایان یاد کرده است. هیچ گونه اطلاعی از سال تأسیس و مؤسسان این دو مدرسه در دست نیست. در بارفروش از قمرخانم ممتازی به عنوان یکی از معلمان مدرسه و در ساری، نیره ابراری و سلطنت خانم وارثه به عنوان مدیر یاد شده است (شاهور، ۲۰۱۳: ۲۷۴، ۲۸۵).

مدرسهٔ تربیت بنات ساری

تا سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. مراکز آموزشی شهر ساری شامل هفت مدرسهٔ علوم دینی به نام‌های سلیمان‌خان، حاج درویش‌علی، حاج مصطفی‌خان، امامیه، نواب علییه، رضاخان و مادر شاهزاده؛ و دو مدرسه به سبک جدید به نام‌های مدرسهٔ دولتی نصرت احمدی (تأسیس ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش) و دیستان ملی تأیید (تأسیس ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ش) (ساکما، ۲۰۸۵۸-۲۹۷۰) و هفت مکتب‌خانه به نام‌های مکتب شیخ غلامعلی در محل مدرسهٔ سلیمان‌خان، مکتب میرزا محمدعلی در مدرسه حاج مصطفی‌خان، مکتب میرزا علی‌اصغرخان در مدرسه حاج مصطفی‌خان، مکتب شیخ تقی مقدس در محله چال مسجد، مکتب زینب‌خانم در محله چال مسجد، مکتب مسکین در محل تکیه حاج حیدرعلی و مکتب سید عبدالحسین در محل مدرسه نواب علییه بود (همان، ۱۳۷۲۶-۲۹۷۰).

۱ پنجمین برج از بروج دوازده‌گانه برابر با ماه مرداد.

به جز مکتب‌خانه زینب‌خانم در محله چال مسجد که مختص دختران بود، سایر مراکز آموزشی شهر به پسران اختصاص داشت. در اوضاع نابسامان اواخر عصر قاجار، وضع آموزش شهر ساری بسیار نامطلوب بود^۱ و آموزش دختران ساری نیز به مراتب از جهت کمیت و کیفیت نازل‌تر از آموزش پسران بود. این مسئله برای خانم فاطمه و کیلی که در سال ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. به همراه همسر خود آقای رضاقلی‌خان مهندس رئیس وقت ممیزی مالیه مازندران، به ساری آمده بود، دردناک می‌نمود. از این رو شخص مزبور با همت خود و همسرش، نخستین مدرسه ابتدایی دخترانه ساری را در سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. تأسیس کرد. علاوه بر حمایت‌های مادی و معنوی رضاقلی‌خان مهندس، رئیس معارف ساری شخص علم‌پرور و فرهنگ‌دوست نیز او را در این راه مهم حمایت کرده بود. به احتمال بر اثر تشویق‌های او بود که جمعی از مردم ساری از خانم فاطمه و کیلی درخواست تأسیس مدرسه دخترانه برای تربیت دختران کردند (همان، ۲۹۷۰۲۸۷۱۸).

برای تأسیس مدرسه کمیسیونی تشکیل شد و مسائل مالی مدرسه را برعهده گرفت. خانم فاطمه و کیلی دختر حاج میرزا رضاخان و کیلی رئیس تعلیمات نسوان ولایات وزارت معارف که دیپلمه مدرسه آمریکایی تهران بود، به عنوان مؤسس و مدیر مدرسه، در روز چهارم برج دلو^۲ سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. یک مدرسه ابتدایی دخترانه را در ساری به نام «تربیت بنات» در محل اجاره‌ای خانه شیخ جعفری افتتاح کرد. با وجود اینکه مدارس تربیت بنات در تهران و شهرستان‌ها توسط بهایان تأسیس شده بود، با توجه به اسناد موجود، نمی‌توان رابطه‌ای میان مؤسسان این مدرسه و بهایان یافت. کمیسیون مدرسه به جمع‌آوری اعانه و تهیه لوازم اولیه مدرسه از قبیل میز و نیمکت پرداخت و مدرسه رونق یافت. به‌طوری که تعداد دانش‌آموزان مدرسه در روز ششم افتتاح آن به بیست نفر و تعداد دانش‌آموزان تا آخر سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. به ۵۸ نفر رسید. کار آموزش مدرسه برعهده خانم فاطمه و کیلی و دو معلم دیگر بود. صدیقه تیرگری نیز ناظم مدرسه بود.

۱. براساس گزارش اسناد، جمعیت شهر ساری در سال ۱۳۴۳ق/۱۳۰۳ش. حدود هجده هزار نفر بود که حدود سه هزار نفر آن را کودکان بین ۶ تا ۱۶ سال تشکیل می‌دادند (ساکما: ۲۹۷-۲۰۸۵۸).

۲. یازدهمین برج از بروج دوازده‌گانه برابر با ماه بهمن.

مواد درسی که در مدرسه تربیت بنات ساری به دختران تعلیم داده می‌شد، عبارت بود از: کلاس اول: دستور فرهنگ جلد اول و جلد دوم، حساب، شرعیات و اخلاق شفاهی. کلاس دوم: قرآن دو جزء آخر، دستور زندگانی جلد اول، حفظ الصحه سال اول، شرعیات ابتدایی سال اول، علم‌الاشیاء دوره مقدماتی ثریا، جغرافی، حساب دوره مقدماتی میرزا رضاخان، تاریخ مقدماتی سال دوم تألیف ابوطالب‌خان، مشق درشت و ریز، دیکته، نماز، کاردستی.

کلاس سوم: قرآن، اخلاق مصور جلد اول و دوم، دستور زندگانی جلد دوم، دستور زبان فارسی جلد سوم، انشاء جلد اول، تاریخ مختصر ایران، علم‌الاشیاء سال اول، حفظ الصحه جلد دوم، حساب سال اول، جغرافی، هندسه سال اول، شرعیات، مشق خط، دیکته، کاردستی، نماز. کلاس تهیه دستور فرهنگ الفباء نماز (همان؛ اعتمادزاده و طالی شلیمکی، ۱۳۹۳: ۳۳۸؛ عنایتی، ۱۳۹۴: ۳۳).

با پیگیری‌های رئیس معارف ساری و خانم فاطمه و کیلی، در چهارم برج حوت^۱ ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. امتیازنامه مدرسه توسط نیرالملک وزیر معارف وقت صادر شد (ساکما، ۲۸۷۱۸/۲۹۷۰).

در آخر حوت ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. پیش از عید نوروز، شاگردان مدرسه تربیت بنات ساری آموخته‌های یک ماهه خود را در برابر دیدگان خانواده‌هایشان و سایر دعوت‌شدگان به معرض امتحان قرار دادند. دانش‌آموزان کلاس اول جلد اول دستور فرهنگ و دانش‌آموزان کلاس دوم شرعیات و دستور زندگانی را امتحان دادند. از دانش‌آموزان کلاس سوم که علم‌الاشیاء را تمام کرده بودند، به علت کمبود وقت و مساعد نبودن هوا امتحان به عمل نیامد.

در سال ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش. تعداد دانش‌آموزان مدرسه به صد نفر رسید که بنا به نوشته مدیر مدرسه شش نفر از آنها تهرانی بودند و به علت مأموریت پدران‌شان در این مدرسه درس می‌خواندند. از کل شاگردان مدرسه تنها دوازده نفر شهریه می‌پرداختند (شش نفر ماهی پنج قران و شش نفر دیگر ماهی دو و سه قران). سایر دانش‌آموزان نیز به صورت رایگان درس می‌خواندند.

۱ دوازدهمین برج برابر با ماه اسفند.

با بیشتر شدن تعداد دانش‌آموزان، مدرسه با سه مشکل مهم مواجه شد: کمبود معلم، کمبود فضای آموزشی و مشکلات مالی. سه ماه پس از افتتاح مدرسه، به علت اینکه خانه شیخ جعفری نمناک و مرطوب بود، مدرسه به جایی مناسب‌تر انتقال یافت. متأسفانه! در اسناد از مکان جدید مدرسه ذکری به میان نیامده است. خانم و کیلی مدیر مدرسه نیز درصدد جذب معلم‌های دیگری از تهران برآمد. این تلاش او تعداد معلم‌های مدرسه را طی سال ۱۳۴۰ ق/ ۱۳۰۱ ش. به چهار نفر رسانید (همان).

جدول شماره ۱: بررسی وضعیت جمعیت ساری و نسبت دانش‌آموزان با جمعیت آن

سال	تعداد کل جمعیت ساری	تعداد کودکان ۶-۱۶ سال واجب‌التعلیم	تعداد کل دانش‌آموزان ساری	میزان درصد کل دانش‌آموزان به تعداد کودکان	میزان درصد دانش‌آموزان پسر	میزان درصد دانش‌آموزان دختر
۱۳۰۳	۱۸۰۰۰	۳۰۰۰	۴۸۱	۱۶٪	۶۶٪/۱	۳۳٪/۹
۱۳۰۶	۱۸۰۰۰	-	۶۶۱	۲۲٪	۶۸٪/۱	۳۱٪/۹

با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۰ ق/ ۱۳۰۱ ش. مدیر مدرسه دچار مشکل جدیدی شد. از آنجایی کمیسیون مدرسه حمایت مالی را برعهده داشت، قصد دخالت در امور مدرسه را داشت و این کار را با اعلام تعطیلی مدرسه در ماه مبارک رمضان انجام داد. این عمل با مخالفت شدید خانم فاطمه و کیلی و همسر او آقای رضاقلی‌خان مهندس روبه‌رو شد. رضاقلی‌خان مهندس طی دو نامه در مورخه‌های ۷ و ۱۰ برج ثور^۱ از رئیس معارف ساری خواسته بود که به منظور بی‌نتیجه نماندن تلاش آموزش سه ماهه کارکنان مدرسه، از مداخله کمیسیون برای تعطیلی مدرسه جلوگیری کند. وی همچنین اعلام کرد با توجه به اینکه کمیسیون مزبور از ابتدای سال ۱۳۴۰ ق/ ۱۳۰۱ ش. کمک‌های مالی خود را قطع کرده، حاضر است تمام هزینه‌های مالی مدرسه را برعهده بگیرد. رئیس معارف ساری نیز همین‌گونه عمل کرد. بدین ترتیب، مدرسه در ماه مبارک رمضان، از شش

۱ دومین برج برابر با ماه اردیبهشت.

ساعت تا یک ساعت مانده به غروب دایر بود (همان).

گویا اقدامات آقای رضاقلی‌خان مهندس نتوانست مشکلات مالی مدرسه را مرتفع سازد. از این رو مدیر مدرسه خانم و کیلی در ۲۳ اسد ۱۳۴۰ ق/ ۱/ ۱۳۰۱ ش. از وزیر معارف درخواست کمک مالی کرد. کمک‌های مالی وزارت معارف از طریق اداره‌ی معارف ساری از برج سنبله^۱ ۱۳۴۰ ق/ ۱/ ۱۳۰۱ ش. آغاز شد و ماهیانه طبق پیشنهاد خانم و کیلی نیمی از هزینه‌های مدرسه یعنی ۵۰ تومان در اختیار او قرار داده می‌شد. بنا بر نوشته‌ی مدیر مدرسه، در ۷ دلو همان سال او توانسته بود با ماهی ۳۰ تومان شهریه‌ی شاگردان و ۵۰ تومان کمک‌های مالی اداره‌ی معارف ساری، مدرسه را اداره کند. گفتنی است به منظور آینده‌نگری و دولتی کردن مدرسه تربیت بنات، بودجه‌ی پیشنهادی در ۷ دلو ۱۳۴۰ ق/ ۱/ ۱۳۰۱ ش. به ترتیب زیر برای دریافت کمک‌های بیشتر دولتی به اداره‌ی معارف ساری ارائه شد:

«کرایه خانه ده تومان، دو معلمه کلاس سه و چهار که باید دارای تصدیق یکی از مدارس عالی طهران باشند چهل تومان، معلمه کلاس دوم ۱۲ تومان، کلاس اول ده تومان، معلمه تهیه و شرعیات دو نفر پانزده تومان، خدمتکار شش تومان، مخارج متفرقه ده تومان، سریدار هفت تومان، جمع کل یکصد و ده تومان در مقابل این مخارج عایدات داخلی مدرسه سی تومان بتابراین ماهی هشتاد تومان اعتبار لازم خواهد شد» (همان).

بودجه‌ی پیشنهادی خانم و کیلی مدیر مدرسه تربیت بنات، طی نامه‌ای در ۹ دلو ۱۳۴۰ ق/ ۱/ ۱۳۰۱ ش. به وزیر معارف ارائه و از وی درخواست شد به پیشنهاد مزبور توجه نشان دهد و آن را در بودجه‌ی سال آینده در نظر بگیرد. این مسئله مورد توجه وزیر معارف و حمایت او قرار گرفت.

بنا بر صورت احصائیه (آمار)، کارکنان مدرسه بنات ساری در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ ش. به شرح زیر بودند (همان، ۲۰۸۵۸، ۲۹۷۰).

۱ ششمین برج برابر با ماه شهریور.

جدول شماره ۲: فهرست کارکنان مدرسه تربیت بنات ساری

ردیف	نام	وظیفه
۱	فاطمه خانم	مدیر و معلم کلاس‌های پنجم و ششم و خیاطی و هنر یدی (دستی) و ورزش
۲	صدیقه خانم	معلم کلاس چهارم
۳	فروغ زمان	معلم کلاس سوم
۴	زینب‌السادات	معلم کلاس دوم
۵	فاطمه خانم	معلم کلاس تهیه قسمت اول
۶	فاطمه خانم	معلم کلاس تهیه قسمت اول
۷	زینب خانم	معلم کلاس تهیه قسمت دوم
۸	خانم نجفی	معلم کلاس اکابره
۹	خانم شریفه	معلم قرآن مجید و نماز
۱۰	آقا میرزا اسماعیل	معلم خط
۱۱	بی‌بی جان	خادم مدرسه
۱۲	مشهدی باقری	سرایدار
۱۳	حسین	خادم مدرسه

براساس ورقه احصائیة مدارس ساری، جمعیت شهر ساری در سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۶ ش. حدود هجده هزار نفر بود و از این تعداد حدود سه هزار نفر را اطفال بین ۶ تا ۱۶ سال تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۰۳ ش. تنها ۱۶٪ از جمعیت دختر و پسر ۶ تا ۱۶ ساله ساروی برای تحصیل وارد مدرسه شدند. این مقدار در سال ۱۳۰۶ به ۲۲٪ افزایش یافت. جمعیت دانش‌آموز دختر و پسر شهر ساری در سال ۱۳۰۳ ش. ۴۸۱ نفر بود که ۳۳/۹٪ آن را دانش‌آموزان دختر تشکیل داده بودند. در سال ۱۳۰۶ ش. تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر شهر ساری به ۶۶۱ نفر افزایش یافت که ۳۱/۹٪ آن دانش‌آموزان دختر بودند. این آمار نشان می‌دهد که آموزش دختران مورد توجه بخشی از مردم شهر قرار گرفته بود. با بررسی نام پدران دختران دانش‌آموز مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۴ ش. حتی می‌توان

به جایگاه سیاسی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و شغلی آنان نیز پی برد. برخی نام‌ها و القاب چون حاج محمدمیرزا، شاهزاده حسن میرزا، نادر میرزا، شاهزاده اسمعیل میرزا، عبدالله میرزا، مصطفی خان، میرزا محمودخان، سالار معظم، انتظام‌دفتر، نائب‌عیسی خان، سعیددیوان، ناظم دیوان، یاورخان، معاون دیوان و رضاقلی خان مهندس، نشان دهندهٔ توجه خانواده‌های شاهزادگان قاجاری و صاحب‌منصبان سیاسی، نظامی و اداری به بهره‌مندی دختران آنان از تربیت نوین است. در کنار نام این اشخاص، نام‌های دیگری چون شیخ حاج آقا، شیخ محمد، شمس‌الذاکرین، آقاشیخعلی، فخرالعارفین، سلطان‌الذاکرین، ملاجعفر، شیخ محسن، آقا شیخ علی‌اکبر، رئیس‌السادات، ثقة‌الاسلام، آقا شیخ زین‌العابدین و قطب‌العارفین به روشنی می‌رساند که افرادی با جایگاه دینی و مذهبی در شهر نیز برای تعلیم و تربیت دختران خود دل به آموزش‌های نوین بسته بودند. از میان تحصیل‌کردگان و افراد باسواد، با نام‌های دکتر سنگ، مجدالاطباء، دکتر حشمت، دکتر سید محمدعلی خان، میرزا احمد و میرزا حبیب برمی‌خوریم. همچنین القابی نظیر افتخارالتجار و مشیرالتجار، از حضور دختران بازرگانان در مدرسهٔ تربیت بنات حکایت دارد. جالب‌تر از همه، وجود نام‌هایی از سایر شهروندان و صاحبان حرف و مشاغل است. مانند استاد حسین معمارباشی، استاد صفر، استاد سلیمان، کربلایی اسمعیل، مهدی خدابخش، بابا عبدالله، مهدی قنبر و غلامحسین؛ که نشان از علاقه‌مندی آنان به دریافت آموزش‌های نوین توسط دختران آنها دارد. به‌طور کلی این نام‌ها و القاب گوناگون تمایل اقشار مختلف شهری به آموزش دختران و گسترش و نفوذ مدرسهٔ دخترانه را در میان طبقات و اقشار شهر ساری نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: بررسی وضعیت مشاغل اولیای دانش‌آموزان و پرداخت شهریهٔ آنان در

سال ۱۳۰۴ خورشیدی

تعداد کل	لباس	با لوازم تحصیل	تعداد رایگان	تعداد پرداخت شهریه	مشاغل و جایگاه اجتماعی
۶	۰	۱	۴	۲	تحصیل کرده‌ها
۳۶	۷	۹	۳۱	۱۰	روحانیان

ادامه جدول شماره ۳

شاهزادگان و خوانین	۱۲	۱۸	۴	۱	۲۸
تجار	۱	۳	۰	۰	۴
صاحب منصبان اداری و نظامی	۱۲	۱۰	۳	۱	۲۲
صاحبان حرف و مشاغل	۱۸	۱۵	۳	۰	۳۳
سایر مشاغل	۳۰	۱۱۸	۶۰	۲۸	۱۴۸
جمع کل	۸۵	۱۹۹	۸۰	۳۷	۲۸۴

مدرسه تربیت بنات ساری در سال ۱۳۰۰ ش. دارای ۵۸ دانش آموز، سال ۱۳۰۱ ش. ۱۰۰ دانش آموز، سال ۱۳۰۳ ش. ۱۶۳ دانش آموز، سال ۱۳۰۴ ش. ۲۸۷ دانش آموز، سال ۱۳۰۶ ش. ۲۱۱ دانش آموز و سال ۱۳۰۸ ش. ۱۳۲ دانش آموز دختر بود (همان؛ همچنین سندهای شماره ۲۹۷۰۲۸۷۱۸؛ ۲۹۷۰۱۳۷۲۶؛ ۲۴۰۰۰۲۴۱۳)

جدول شماره ۴: تعداد دانش آموزان مدرسه تربیت بنات ساری طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۸ ش.

سال	تعداد کل دانش آموزان دختر	تعداد دانش آموزان شهریه بده	تعداد دانش آموزان رایگان
۱۳۰۰	۵۸	-	-
۱۳۰۱	۱۰۰	۱۲	۸۸
۱۳۰۳	۱۶۳	۶۵	۹۸
۱۳۰۴	۲۷۳	۷۴	۱۹۹
۱۳۰۶	۲۱۲	۲۴	۱۸۸
۱۳۰۸	۱۳۲	-	-

براساس اسناد، کوچک ترین دانش آموز دختر مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۳ ش. تنها ۵ سال داشته و بزرگ ترین آنها ۱۶ ساله بود. در سال ۱۳۰۶ ش. کوچک ترین دانش آموز مدرسه ۶ ساله و بزرگ ترین آنها ۲۰ ساله بود. تعداد کل فارغ التحصیلان دوره

شش سالهٔ ابتدایی تا سال ۱۳۰۶ش. سیزده نفر بودند که تعداد هشت نفر از آنان در سال ۱۳۰۶ش. فارغ‌التحصیل شده بودند.

جدول شمارهٔ ۵: تعداد دانش‌آموزان مدرسهٔ بنات به تفکیک کلاس‌های مختلف طی سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۶ش.

کلاس سال	تهیه	اول ابتدایی	دوم ابتدایی	سوم ابتدایی	چهارم ابتدایی	پنجم ابتدایی	ششم ابتدایی	جمع کل
۱۳۰۳	۸۴	۴۷	۱۶	۱۰	۳	۳	-	۱۶۳
۱۳۰۴	۱۵۶	۴۷	۴۰	۱۰	۱۲	۵	۳	۲۷۳
۱۳۰۶	۱۰۰	۲۷	۲۴	۲۳	۲۳	۸	۷	۲۱۲

تعداد معلمان مدرسهٔ تربیت بنات در سال ۱۳۰۰ش. ۲ نفر؛ سال ۱۳۰۱ش. ۴ نفر، و سال ۱۳۰۳ش. ۶ نفر، و در سال‌های ۱۳۰۴، و ۱۳۰۶ش. ۱۰ نفر، و در سال ۱۳۰۸ش. ۹ نفر بود.

جدول شمارهٔ ۶: بررسی تعداد دانش‌آموزان و نسبت معلمان مدرسهٔ تربیت بنات ساری و شهریهٔ آن به تفکیک سال

سال	تعداد کل دانش‌آموزان	تعداد کلاس‌ها	تعداد معلمان	تعداد دانش‌آموزان رایگان	تعداد دانش‌آموزان با شهریه
۱۳۰۰	۵۸	۳	۳	-	-
۱۳۰۱	۱۰۰	۴	۴	۸۸	۱۲
۱۳۰۳	۱۶۳	۵	۶	۹۸	۶۵
۱۳۰۴	۲۷۳	۶	۱۰	۷۴	۱۹۹
۱۳۰۶	۲۱۲	۶	۱۰	۲۴	۱۸۸
۱۳۰۸	۱۳۲	-	۹	-	-

درآمد سالانهٔ مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۳ش. ۸۵۰ تومان بوده که ۶۰۰ تومان آن از محل درآمد دولتی و ۲۵۰ تومان دیگر از شهریهٔ دانش‌آموزان به دست آمده بود. هزینه‌های مدرسه نیز در همین سال ۶۵۰ تومان بود. بدین ترتیب، مدرسهٔ تربیت بنات در

سال ۱۳۰۳ ش. ۲۰۰ تومان سوددهی داشت.
در سال ۱۳۰۶ ش. درآمد مدرسه ۱۳۲۰ تومان بوده که ۱۰۸۰ تومان آن از محل درآمد دولتی و ۲۴۰ تومان دیگر از محل درآمد شهریۀ دانش‌آموزان بود. هزینه‌های مدرسه در این سال ۱۳۲۰ تومان بود.

جدول شماره ۷: میزان درآمد و هزینه‌های مدرسه تربیت بنات ساری طی سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ ش.

سال	درآمد به تومان			هزینه به تومان
	دولتی	شهریه	جمع کل	
۱۳۰۳	۶۰۰	۲۵۰	۸۵۰	۶۵۰
۱۳۰۶	۱۰۸۰	۲۴۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰

مقایسه درآمدی مدرسه تربیت بنات در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ ش. نشان می‌دهد که مقدار ۴۸۰ تومان درآمد دولتی در سال ۱۳۰۶ ش. افزایش یافته، اما درآمد از محل شهریۀ دانش‌آموزان ۱۰ تومان کاهش یافته است. همچنین مخارج مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۶ ش. به نسبت سال ۱۳۰۳ ش. مقدار ۶۷۰ تومان افزایش یافت.

انواع اثاثیۀ مدرسه بنات و تعداد آن در سال ۱۳۰۳ ش. به شرح زیر بود:
میز شاگرد: ۳۰ عدد؛ نقشۀ جغرافیا: ۹ عدد؛ نیمکت: ۳۶ عدد؛ دفاتر مدرسه: ۹ جلد؛
میز معلم: ۷ عدد؛ ساعت: ۱ عدد؛ صندلی: ۷ عدد؛ تابلوی مدرسه و کلاس‌ها: ۱ عدد؛
تخته‌سیاه: ۷ عدد؛ تخته و پورگرام (برنامه): ۱ عدد.

انواع اثاثیۀ مدرسه بنات و تعداد آن در سال ۱۳۰۶ ش. به شرح زیر بود:
میز شاگرد: ۲۷ عدد؛ تابلو مدرسه و کلاس‌ها: ۱۷ عدد؛ نیمکت شاگرد: ۳۶ عدد؛
دوات: ۷ عدد؛ میز معلم: ۷ عدد؛ لوازم‌التحریر: ۷ عدد؛ صندلی: ۸ عدد؛ منقل: ۱۴ عدد؛
تخته‌سیاه: ۶ عدد؛ زنگ مدرسه با چکش: ۱ عدد؛ نقشۀ جغرافیا: ۱۴ عدد؛ زنگ رومیزی:
۲ عدد؛ دفاتر مدرسه: ۱۲ جلد؛ خط‌کش: ۲ عدد؛ ساعت: ۱ عدد؛ حصیر: ۲۹ تخته.

خانم فاطمه و کیلی تا ۲۵ شهریور ۱۳۰۶ ش. مدیریت مدرسه بنات ساری را برعهده داشت و از این تاریخ تا بهمن ۱۳۰۹ ش. مدیریت دبستان برعهده خانم کوچک تشکری

(مهری پزشکی) بود (همان، ۲۴۰۰۲۴۱۳).

نتیجه‌گیری

در پی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اواخر عصر قاجار و به وجود آمدن مدارس به سبک و سیاق نوین و اروپایی، به تدریج توجه بانیان مدارس به سمت تأسیس مدارس دختران و تعلیم و تربیت آنان معطوف شد. بی‌بی‌خانم استرآبادی و طوبی رشیدیه نخستین مدارس دخترانه عصر قاجار را در تهران دایر کردند. پس از آنها در سایر شهرها نیز افتتاح مدارس دخترانه آغاز شد. این اتفاق در حالی رخ می‌داد که تنها بخش کوچکی از جمعیت دختران از طریق آموزش‌های خانگی توسط معلمان سرخانه و ملاباجی‌ها در مکتب‌خانه‌ها از سواد خواندن و نوشتن بهره می‌بردند.

در تأسیس مدارس، بانیان با دشواری‌هایی روبه‌رو بودند. از یک سو، با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کردند و از سوی دیگر، حوادث و رخداد‌های سیاسی زمانه، مدارس را با چالش جدی و حتی تعطیلی و انحلال مواجه می‌ساخت. دیدگاه‌های فرهنگی، دینی و مذهبی جامعه نیز موجب کندی گسترش مدارس جدید می‌شد. مدارس دخترانه نیز این موانع را پیش رو داشتند و البته با محدودیت‌های اجتماعی بیشتری روبه‌رو بودند.

نخستین مدارس جدید مازندران در سال‌های آغازین سلطنت مظفرالدین‌شاه دایر شدند، اما تقریباً دو دهه فرصت لازم بود تا مدارس دخترانه نیز پا بگیرند و سهم اساسی در تعلیم و تربیت دختران مازندرانی داشته باشند.

نخستین مدرسه دخترانه مازندران در بارفروش و توسط عده‌ای به سال ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. با نام بنات تأسیس شد. این عده که نامشان بر ما پوشیده است، گویا از بهاییان بارفروش بودند. پس از یک سال، مدرسه بنات مورد حمایت عبدالحسین خان امیر منتخب رئیس معارف بارفروش قرار گرفت. این مدرسه شش سال با همین نام فعالیت کرد تا اینکه در ۱۳۳۹ق/۱۲۹۹ش. خانم ملوک کیا به مدیریت مدرسه رسید و نام آن را به مدرسه انائیه بارفروش تغییر داد. ملوک کیا دیپلمه مدرسه فرانسوی آلیانس تهران بود و در بسط و گسترش آموزش دختران بسیار کوشید. او حتی نسبت به دایر کردن کلاس‌های اکابر برای زنان کوشش کرد. او توانست با غلبه بر سختی‌ها و موانع موجود، تعداد

کلاس‌های مدرسه را افزایش دهد و در نتیجه، دختران بیشتری را تحت تعلیم و تربیت نوین قرار دهد. سرانجام با تلاش‌های او مدرسه تحت حمایت وزارت معارف قرار گرفت و با استفاده از بودجه معارفی به شکل دولتی اداره شد.

علاوه بر مدارس فوق، دو مدرسه عصمتیه و عفتیه نیز در شهر بارفروش برای تعلیم و تعلم دختران دایر شد. از این دو مدرسه اطلاع چندانی در دست نیست. مدرسه عصمتیه را خانمی اهل تهران که پیشتر مدیر یک مدرسه دخترانه در محله سید نصیرالدین تهران بود، تأسیس کرد.

در ۱۲۹۷ق/۱۳۳۷ش. فاطمه و کیلی دیپلم مدرسه آمریکایی تهران، به علت ماموریت همسرش رضاقلی‌خان مهندس مالیه، به ساری آمد. وضع نابسامان آموزش دختران ساری، درخواست اهالی و بزرگان شهر و حمایت‌های رئیس وقت معارف ساری، او را برآن داشت تا نخستین مدرسه دخترانه ساری را با نام تربیت بنات در ۱۳۴۰ق/۱۳۰۰ش. تأسیس کند. کمیونی از اهالی شهر برای تأمین مسائل مالی مدرسه تشکیل شد. مدرسه که در برج دلو با ۲۰ دانش‌آموز کار خود را آغاز کرده بود، در پایان سال به تعداد ۵۸ دانش‌آموز دختر رسید. ملاحظه نام دانش‌آموزان و نام پدران‌شان نشان می‌دهد که آموزش دختران از سوی طیف‌های مختلف مردم شهر مورد توجه قرار گرفت. با بیشتر شدن تعداد دانش‌آموزان، مدرسه با مشکلاتی از قبیل کمبود معلم و فضای آموزشی روبه‌رو شد که وضع بد و نابسامان مالی نیز آن را تشدید می‌کرد. سرانجام این مدرسه نیز با تلاش‌های مدیر آن به شکل دولتی درآمد و از بودجه وزارت معارف برخوردار شد.

پیوست‌ها

سند شماره ۱

گزارش امتحان شاگردان کلاس ششم مدرسه اناثیه بارفروش

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف بارفروش

مورخه ۷ برج اسد سچقان ییل ۱۳۰۳

نمره ۱۷۵

ضمیمه هفت تومان اسکناس

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

در بیستم جوزا امتحان شاگردان کلاس ششم مدرسهٔ اناثیه با حضور عده ای از معمرین شهر شروع هفت نفر موفق باخذ تصدیقنامه گردیدند که لفا صورت نمرات آنها که بامضای ممتحنین رسیده با هفت تومان وجه تمبر ارسال متمنی است زودتر تصدیقنامه را ارسال فرمایید علت تاخیر در فرستادن نمرات کسالت حصبه ۲۳ روزه اینجانب بوده است .

[امضا] عسگر صاحب جمع [مهر] اداره معارف و اوقاف بارفروش

[۲۹۷-۳۶۸۳۸]

سند شماره ۲

درخواست اضافه حقوق معلم قرآن

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف بارفروش

سواد مراسله مدیره مدرسه انائیه دولتی مورخه ۲۵ شهر شعبان ۱۳۴۰

نمره ۳۸

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف بارفروش دامت شوکته

نظر باینکه خانم قرائتی معلمه قرآن مدرسه دو تومان حقوق دارد حالیه تقاضا می نماید که یک مرحمتی در حقش نموده اضافه حقوق بایشان مرحمت شود تا با خیال راحت مشغول خدمات مرجوعه باشد.

محل امضاء مدیر مدرسه (ملوک کیا)

سواد مطابق اصل است

[مهر] اداره معارف و اوقاف بارفروش

[297 - 022943]

سند شماره ۳

تقاضای استخدام معلم

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف بارفروش

سواد مراسله مدیره مدرسه انائیه دولتی

مورخه ۲۵ شهر شعبان ۱۳۴۰

نمره ۳۷

مقام مبارک ریاست محترم اداره معارف و اوقاف بارفروش دامت شوکته

نظر باینکه مدت یک سال است از موقع امتحان شاگردان کلاس چهار مدرسه انائیه می گذرد و حالیه دروس کلاس پنج را نیز خاتمه داده اند لهذا مدرسه دارای شش کلاس است که عبارت از (یک) (نیم) (۲) (۳) (۴) (۵) می باشد و پس از امتحان امسال دارای کلاس شش نیز خواهد شد در اینصورت با کمال توقیر و احترام خاطر مبارک را مستحضر میدارد که چنین مدرسه با داشتن سه نفر معلمه کلاسهای یک و دو و سه و یک نفر معلمه قرائت قرآن و خود بنده که دو سال است کلاسهای چهار و ۵ را پیش برده بعدها پیشرفت نخواهد کرد نقداً ۲ نفر معلمه یکی برای کلاس نیم و دیگری برای چهار لازم است اینک با کمال احترام از آن اداره محترم تقاضا میشود بهر وسیله هست یا دو نفر معلمه تهیه فرموده بمدرسه بفرستید و یا اینکه بودجه معین فرمایید تا ۲ نفر از شاگردان کلاس (۵) که در حقیقت قابل معلمی هستند بداره محترم معرفی نمایم زیاده جسارت است.

محل امضا مدیر مدرسه انائیه (ملوک کیا)

سواد مطابق اصل است مورخه ۳ برج ثور ایت ثیل ۱۳۰۱

[مهر] اداره معارف و اوقاف بارفروش

[297 - 022943]

سند شماره ۴

درخواست اهالی ساری از خانم رضاقلیخان (فاطمه و کیلی) برای تاسیس مدرسه دخترانه

سواد درخواست اهالی ساری از طرف جماعت خواتین

خدمت علیه عالیہ خانم رضا قلی خان مهندس مالیہ دامت شوکتها

جمعی از اهالی ساری برای تربیت دختران این شهر که تا کنون از معلومات محروم و مهجور مانده اند از آن علیه عالیہ خواهش داریم اقدام در تاسیس مدرسه ابتدایی شش کلاسه فرموده ریاست آنمدرسه را نیز از روی پروگرام وزارت معارف تقبل فرمائید زیرا فی الحقیقه کمالات صوری و معنوی و اخلاق حمیدہ و معلومات جدیدہ در آن مخدرہ جمع است و شایستگی دارید البتہ این جماعت نیز در ہمراہی این نیت پاک و تکمیل نواقص آن مدرسه مضایقہ نخواہیم کرد زیادہ عرض نیست.

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سند شماره ۵

تقاضای تاسیس مدرسه دخترانه در ساری به نام تربیت بنات

۲ دلو ۱۳۰۰

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت اقباله

کمیته بعد از تحصیلات چندین ساله در مدرسه آمریکایی طهران و اخذ دیپلوم آنجا سه سال است به اتفاق آقای رضاقلیخان مهندس عالی فرنگ که مامور مالیه مازندران است بساری آمده اینجا اقامت دارد اخیرا جمعی از اهالی ساری اصرار در تاسیس مدرسهٔ دوشیزگان باسم تربیت بنات ساری تکلیف کرده و کمیته محض خدمت بعالم انسانیت که ساکنان اناثیه این ارض و بوم بکلی دور از معلومات افتاده اند قبول نمود اینک سواد درخواست آنجماعت را لفا تقدیم داشته مستدعی است که امتیاز نامه تاسیس مدرسه دختران بنام تربیت بنات ساری باسم کمیته ارسال فرمائید که خدمتی بعالم تربیت دوشیزگان این گوشه مازندران نماید.

فاطمه صبیحه حاج میرزا رضا خان وکیلی

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سند شماره ۶

امتیاز نامه مدرسه تربیت بنات ساری

سواد امتیاز نامه مدرسه تربیت بنات ساری

[شیر و خورشید]

دولت علیه ایران

چون مخدره محترمه فاطمه خانم عیال آقای رضاقلیخان مهندس تقاضای امتیاز تاسیس مدرسهٔ انات در حد ابتدایی بنام مدرسه بنات و بمدریت مشارالیه در ساری مازندران از وزارت معارف نموده و شرایط قانونی را مطابق ماده ۱۰ و ۱۶ قانون اساسی معارف داراست لهذا بمشارالیه اجازه داده می شود که مدرسه مزبوره را تاسیس نماید مشروط بر اینکه کاملاً مقررات و نظامنامه و دستور وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را رعایت کرده و مواد پروگرام رسمی را دقیقاً مجری دارد.

اداره معارف و تعلیمات مسئول صحت اجرای این امتیاز نامه است

۴ برج حوت تخاقوی ثیل ۱۳۰۰

[محل امضای وزیر معارف] نیرالملک

[محل مهر] وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سند شماره ۷

تقاضای پرداخت نیمی از بودجه مدرسه تربیت بنات ساری توسط وزارت معارف

مقام منیع محترم وزارت معارف

چند روز قبل عریضه تقدیم شد که یکسال است در ساری مدرسه نسوان باسم تربیت بنات ساری بر حسب امتیاز نامه رسمی آن وزارت محترمه تاسیس و صد نفر از دوشیزگان آنولا[یت] که هنوز بعالم علم و معرفت سبقت نکرده و چنین مدرسه در آنجا وجود نداشت اقدام نمودم چون شاگردان متمول نادر و اغلب مجانی است عایدی ندارد صد تومان در هر ماه مخارج آنمدرسه برای کمینه تحمل ناپذیر است لذا استدعا کرده بود که لااقل معادل نصف آنچه از جانب آنوزارت مرحمت شود که زحمات و مخارج یک ساله بهدر نرود و جمعی از دوشیزگان بتحصيل معلومات اشتغال یافته دعاگوی وجود مبارک بشوند چون جوابی تاکنون مرحمت نشد مبادرت بعریضه ثانی نمود.

کمینه فاطمه و کیلی

مدیره مدرسه بنات ساری

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سند شماره ۸

گزارش بازدید از مدرسه تربیت بنات ساری

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف ساری

نمره ۴۲۹

بتاریخ ۹ برج دلو ۱۳۰۱

ضمیمه سواد

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته

در تاریخ ۲۵ برج جدی به اتفاق آقایان مدعی العموم و اعضاء عدلیه مدرسه بنات ساری را بازدید و تفتیش نموده حسن ترتیب و انتظام کلاسها و دفاتر و نظافت اثاثیه و ملزومات مدرسه که حاکی از مراقبت و اهتمام مخصوص مخدره فاطمه خانم و کیلی مدیره مدرسه بنات بوده است خوشوقتی و توجه حاضرین را جلب نموده و موجب امیدواری به ترقیات آتیه مدرسه بنات گردید نواقصی که در مدرسه مزبوره از حیث ضیق مکان و جهات صحی مشاهده کرده بود کتبا بخانم مدیره مدرسه خاطر نشان کرده و اینک راپورت جامعی در جواب اداره معارف نگاشته است که سواد آنرا برای تکمیل اطلاع آنمقام منیع ایفاد میدارد امیدوار است توجه مخصوصی در قسمت اخیر راپورت مزبور که مربوط به بودجه سال آتیه مدرسه فوق الذکر است مبذول فرمایند که در موقع تهیه بودجه سنه آتیه احتیاجات مدرسه مزبوره نیز منظور و نواقص موجود در ظل مساعدت آنمقام منیع مرتفع گردد.

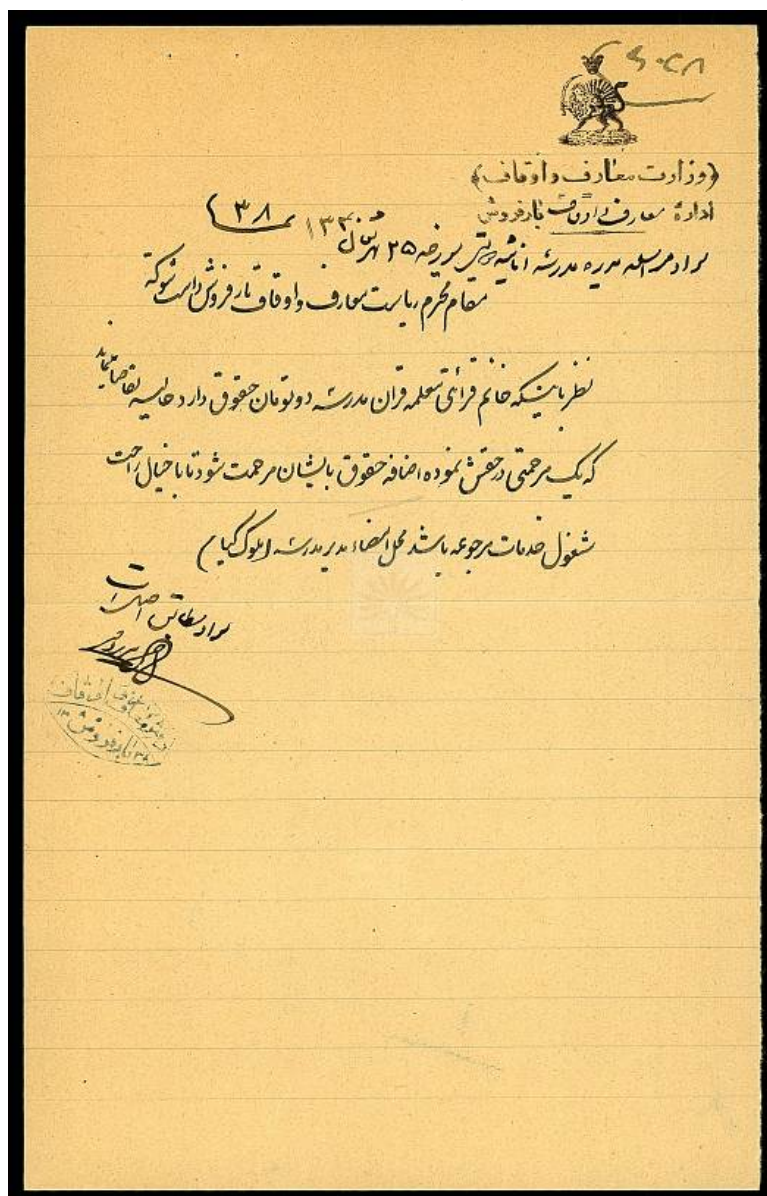
محل امضا مهدی

[مهر] اداره معارف و اوقاف ساری و توابع

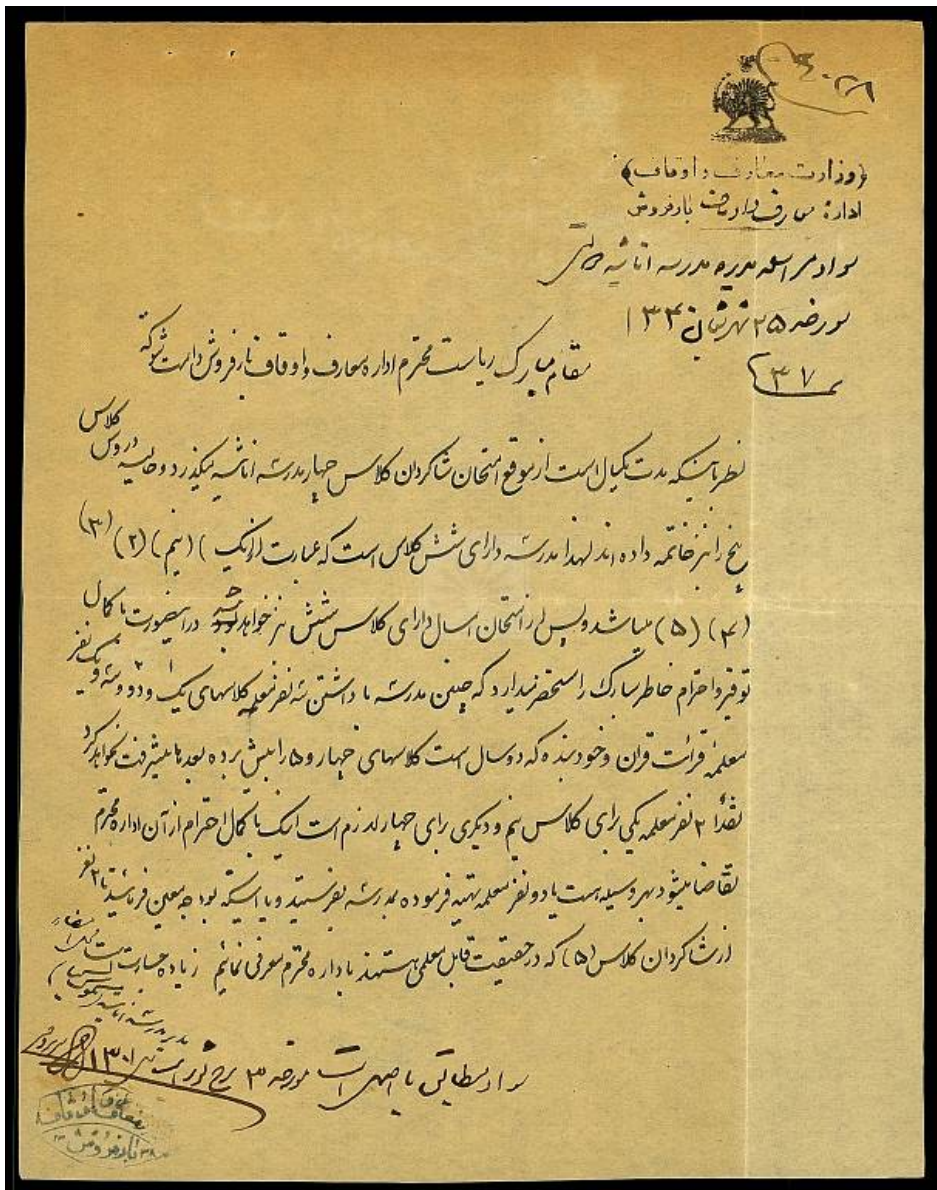
[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

[illegible]

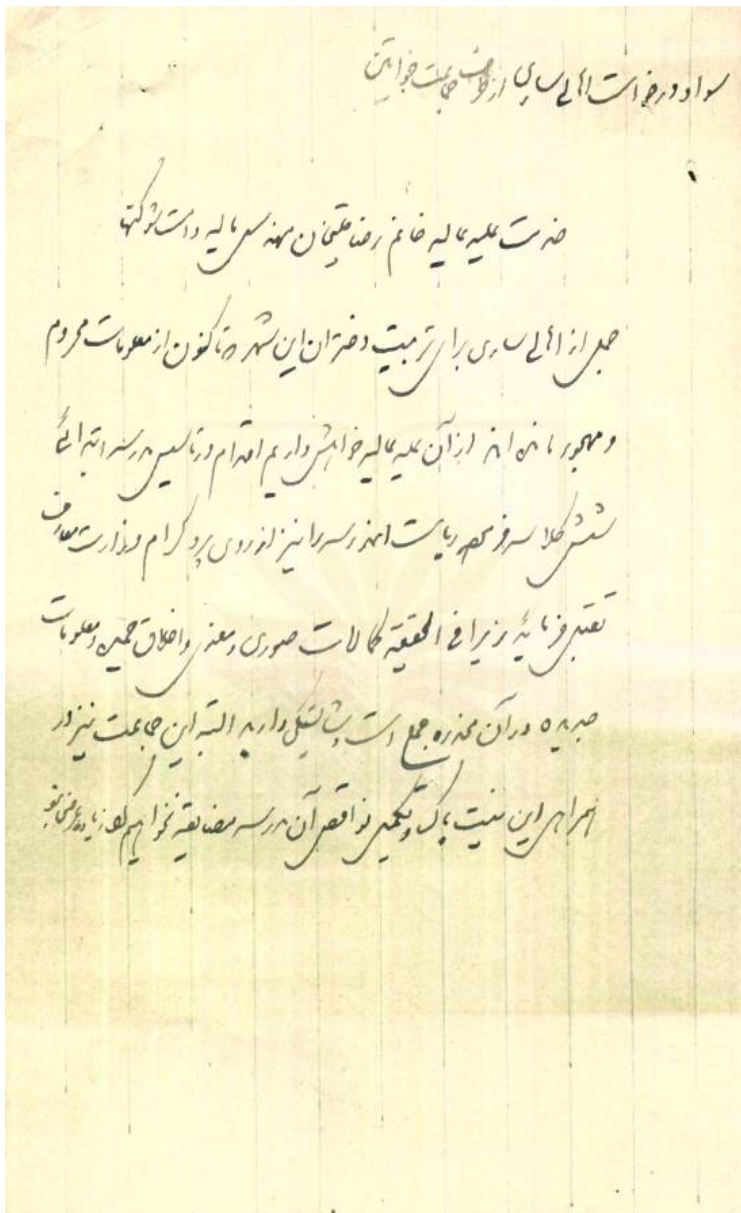
تصویر سند شماره ۲



تصویر سند شماره ۳

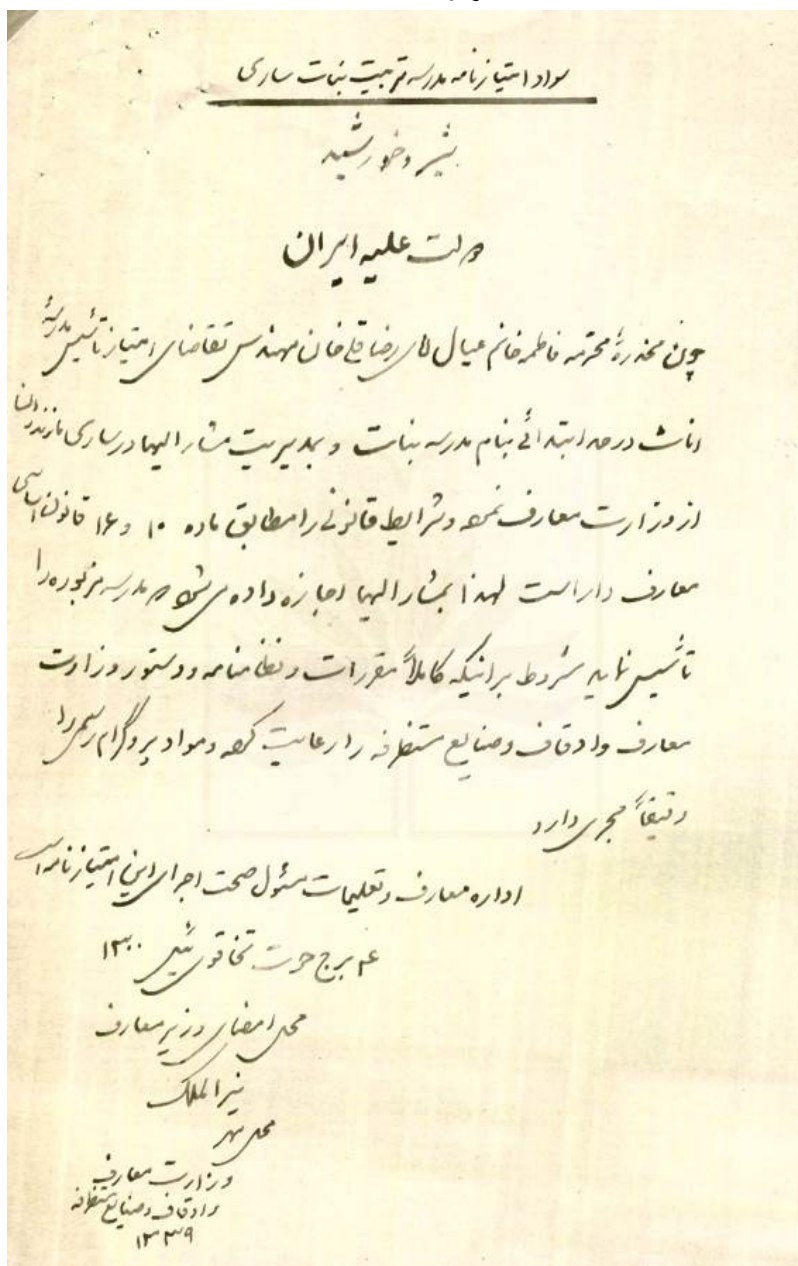


تصویر سند شماره ۴

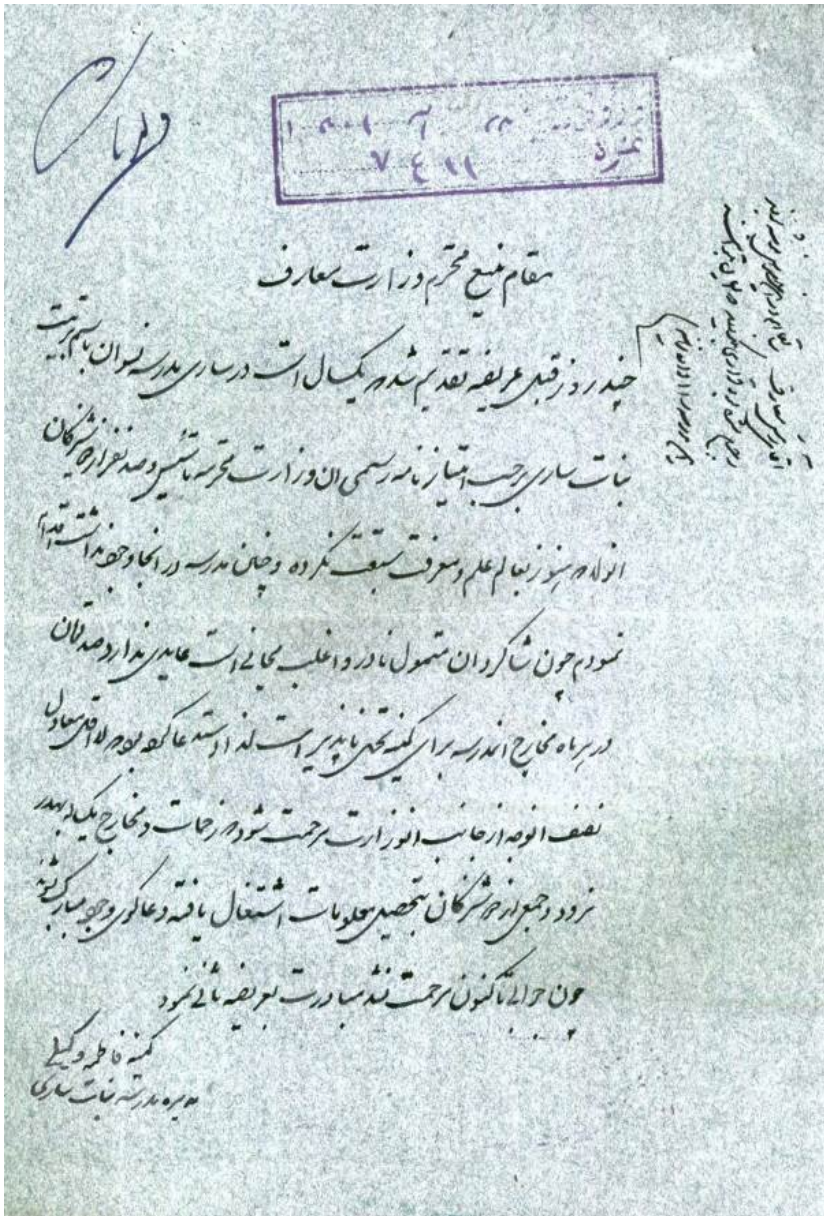


[illegible]

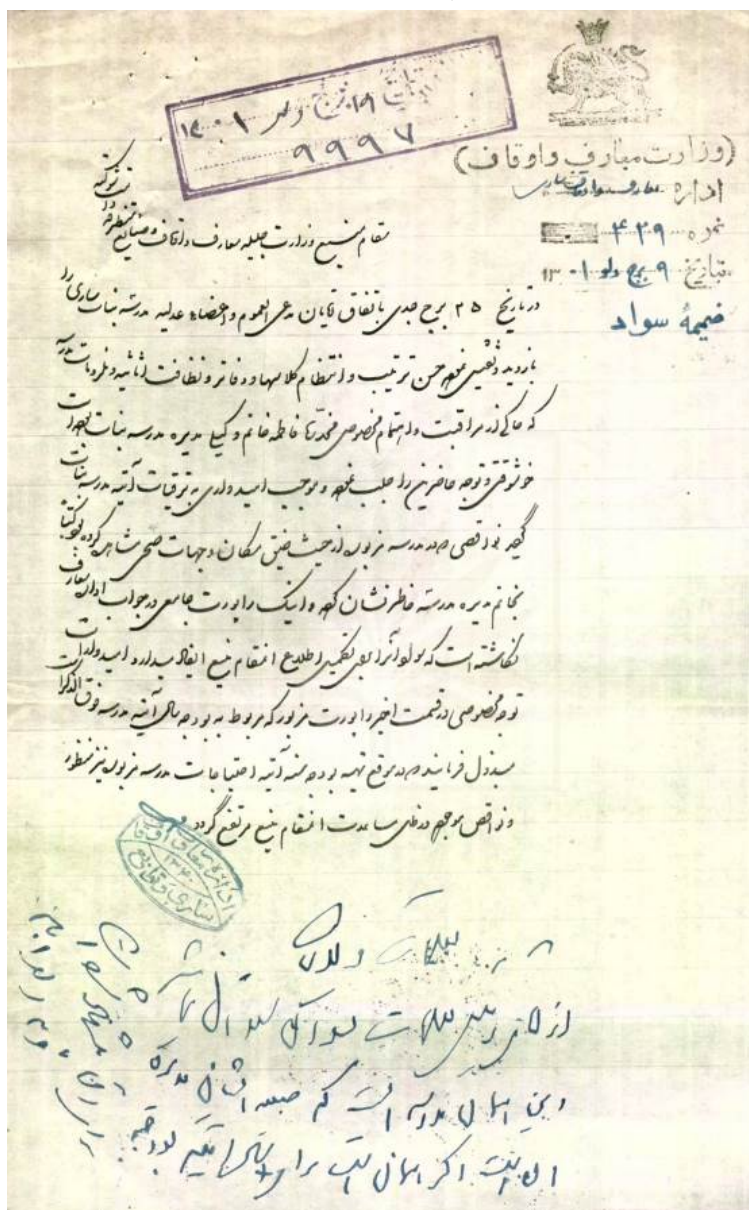
تصویر سند شماره ۶



تصوير سند شماره ۷



تصویر سند شماره ۸



منابع و مآخذ

- اسلامی، حسین (۱۳۷۲)، *تاریخ دوهزار سالهٔ ساری*، قائم‌شهر: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اعتصامی، محمدباقر (۱۳۷۵)، *تاریخ آموزش و پرورش رسمی مازندران (۱۲۸۴-۱۳۷۵ش)*، ج ۱، ساری: شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان مازندران [منتشر نشده].
- اعتمادزاده، حسین و علیرضا طالبی شلیمکی (۱۳۹۳)، «تاریخچهٔ آموزشی ساری»، *ساری کهن‌شهر مازندران*، تهران: نشر چشمه.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه دوران قاجاریه*، تهران: زوار.
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۷)، *مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸)، *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ثابت، عباس (۱۵۳ بدیع [۱۳۷۵ش/۱۹۹۵م])، *تاریخچه مدارس نینب*، دهلی نو: مرآت.
- رشیدی، شمس‌الدین (۱۳۶۲)، *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- روزنامه *حبل‌المتین* (۱۳۸۳)، تهیه و تنظیم عنایت‌الله رحمانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- *سالنامه آموزش و پرورش بابل* (۱۳۴۴)، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- شاهور، سلی (۱۳۹۲/۲۰۱۳)، *مدارس فراموش شده (بهایان و آموزش و پرورش نوین در ایران)*، سوئد: نشر باران.
- شکری فومشی، محمد (۱۳۷۹)، «پیشینهٔ آموزشی بابل»، *بابل شهر بهارنارنج*، تهران: نشر چشمه.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۵)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: مدبر.
- عامری، حامد (۱۳۹۴)، *تجدد و قانون‌گرایی (اندیشهٔ میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله)*، تهران: نگاه معاصر.
- علامه، صمصام‌الدین (۱۳۷۷)، *تاریخ جامع تنکابن، تنکابن: انتشارات تنکابن*.
- (۱۳۳۸)، *یادگار فرهنگ آمل*، تهران: تابان.
- غنایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۴)، *مدارس جدید ساری در عصر قاجار*، تهران: رسانش نوین.
- فدایی‌پور، معصومه (۷ شهریور ۱۳۹۴)، «از نخستین مدرسه ساری تا آموزش نوین در مازندران»، *روزنامه همشهری*.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، *مدارس جدید دورهٔ قاجاریه (بانیان و پیشروان)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قلی‌پور گودرزی، شهرام و یوسف الهی (۱۳۹۳)، *تاریخ آموزش و پرورش بابل و بندپی*، تهران: رسانش نوین.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۸)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی، اداری دورهٔ قاجاریه*، ج ۱، تهران: زوار.
- مهجوری، اسماعیل (۱۳۴۵)، *تاریخ مازندران*، ج ۲، ساری: اثر.

- (۱۳۳۹)، «تاریخ فرهنگ ساری»، نشریه فرهنگ ساری، [بی جا]: [بی نا].
- (۱۳۳۷)، «تاریخچه فرهنگ ساری»، سالنامه فرهنگ استان دوم (مازندران)، [بی جا]: چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب.
- میرهادی، منیرالسادات (۱۳۹۳)، تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران، تهران: کویر.
- نبی، ابوالفضل (۱۳۶۶)، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نصری، عبدالله (۱۳۹۰)، رویارویی با تجدد، ج ۱، تهران: نشر علم.
- نیاکی، جعفر (۱۳۷۹)، بابل شهر زیبایی مازندران، تهران: رامرنگ.
- وطن‌دوست، غلامرضا (۱۳۸۵)، زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

اسناد

- سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۱۰۱۱۲-۲۹۷.
-، سند شماره ۲۶۸۹۳-۲۹۷.
-، سند شماره ۲۲۷۸۳-۲۹۷.
-، سند شماره ۲۲۹۴۳-۲۹۷.
-، سند شماره ۳۶۸۳۸-۲۹۷.
-، سند شماره ۲۰۸۵۸-۲۹۷.
-، سند شماره ۱۳۷۲۶-۲۹۷.
-، سند شماره ۲۸۷۱۸-۲۹۷.
-، سند شماره ۲۴۱۳-۲۴۰.